فقه الحدیث روایت«ان کان ابن مسعود لایقرأ علی قرائتنا فهو ضال»

صفحه پنجم از کلام مرحوم صاحب مفتاح الکرامه بودیم. ایشان فرمودند:

> قال الصادق علیه السلام فی صحیح الفضیل لما قال له إن الناس یقولون إن القرآن نزل علی سبعة أحرف کذب أعداء اللّٰه و لکنه نزل علی حرف واحد من عند الواحد و مثله خبر زرارة و قال المحدث الکاشانی فی الوافی بعد نقل الخبرین المقصود منهما واحد و هو أن القراءة الصحیحةواحدة (قلت) قد یقرب منهما صحیح المعلی[1]

«قد یقرب منهما صحیح المعلی»؛ وجه این قرب چیست؟ در صحیح معلی دو راوی هستند. به نظرم هم عبد الله بن فرقد است و هم معلی بن خنیس است. میگوید با ربیعة الرای-با اینکه عامی بوده ولی از اصحاب حضرت هم او را حساب میکنند- سه نفری محضر حضرت رسیده بودیم، «فذکرنا فضل القرآن».

> مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَرْقَدٍ وَ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَا كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ مَعَنَا رَبِيعَةُ الرَّأْيِ فَذَكَرْنَا فَضْلَ الْقُرْآنِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنْ كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ لَا يَقْرَأُ عَلَى قِرَاءَتِنَا فَهُوَ ضَالٌّ فَقَالَ رَبِيعَةُ ضَالٌّ فَقَالَ نَعَمْ ضَالٌّ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَمَّا نَحْنُ فَنَقْرَأُ عَلَى قِرَاءَةِ أُبَيٍّ[2]

«.. فَقَالَ رَبِيعَةُ ضَالٌّ؟!»؛ یعنی استفهام تعجب و انکار بود. **«فَقَالَ نَعَمْ ضَالٌّ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَمَّا نَحْنُ فَنَقْرَأُ عَلَى قِرَاءَةِ أُبَيٍّ»؛** عرض کردم که برخی «**أبي**» خواندهاند که مرحوم مجلسی، مرحوم فیض و دیگران فرمودند که خیلی بعید است. «أبی» بعید است ولی گفته شده. این روایت معلی است.

ایشان فرمودند «**وقد یقرب منهما صحیح المعلی**»؛ وجه القرب چیست؟ وجه القرب کلمه «ضال» است. حضرت فرمودند:**«ان کان ابن مسعود لایقرأ علی قرائتنا فهو ضال»**؛ او گمراه است. خب اگر همه این قرائات نازل شده بود که او ضال نمیشد. چون حضرت برای قرائت ابن مسعود

تعبیر به «ضال» فرمودند، موید این می‌شود که حرف واحد است و قرائت ما است که حرف صحیح است و آن ضال است. وجه قرب به این صورت به ذهن می‌آید.

خب با توضیحاتی که قبلاً عرض کردم، وجه الاقرب مبتنی‌بر این است که تلقی ما از این حدیث معلی این است که بگوییم **«ان کان ابن مسعود یقرأ علی غیر قرائتنا»**؛ اگر ابن مسعود بر غیر از قرائت ما قرائت می‌کند، ضال است. نوعاً به این صورت برداشت می‌شود و لذا است که وجه الاقرب شده است.

اما اگر به این صورت معنا کنیم که اصلاً حضرت در این مقام نیستند که چون او قرائتی دارد که برای اهل عراق است و اهل مدینه آن را ندارند پس ضال است. نه، «ان کان ابن مسعود لایقرأ علی قرائتنا»؛ اگر قرائت ما را تخطئه می‌کند، ضال است. این خیلی تفاوت دارد. هر گاه ابن مسعود لایقرأ...؛ عرض کردم که در تاریخش زیاد است. معوذتین را حک می‌کرد[3]، سوره مبارکه حمد را همچنین. قرائاتی بود که به‌شدت انکار می‌کرد و می‌گفت «والله لااقرأ انی سمعت من فی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله» که حضرت خواندند «والذکر والانثی»[4]، اما شما می‌گویی من بخوانم «و ما خلق الذکر و الانثی[5]»؟! این به‌معنای مقابله کردن و اینکه «لایقرأ» است. خب دراین‌صورت دیگر تعبیر «یقرب» خیلی روشن نمی‌شود.

البته جلوتر عرض کردم حضرت نفرمودند «اما انا فاقرأ علی قرائة ابی»، فرمودند «و اما نحن»، اما به‌معنای «ما اهل البیت» است؟! این وجهی است که مرحوم فیض در وافی و مرحوم مجلسی فرمودند «قرائة أُبَی»، قرائتی است که مطابق با قرائت اهل البیت علیهم‌السلام است ای نزدیک آن‌ها است. یعنی «نحن» را معنا کرده‌اند به «نحن اهل البیت نقرأ علی قرائة ابی». من نمی‌دانم ذهنشان را چطور قانع کرده‌اند. می‌گویند که این مسامحه است و تقیه بوده. و الا خود اهل البیت اجل از این هستند که بگویند ما طبق قرائة ابی می‌خوانیم. ولی برای ذهن من با این سابقه بحث هفت-هشت ساله، به این صورت واضح است که «نحن» به‌معنای «نحن اهل المدینه» است. ابن مسعود روز اول به عراق رفت و پایه و اساس قرائة عراقیین را او گذاشت. اهل مدینه برای خودشان قرائتی دارند. لذا می‌گویی «اختلاف قرائة المدنیین و العراقیین». «نحن» یعنی ابن مسعود که نماینده بزرگ قرائت اهل عراق است، اگر از قرائت اهل مدینه که قرائت ابی بن کعب است، تحاشی بکند، وه ضال. حق ندارد چنین کاری کند که قرائت ما را تخطئه کند.

این معنایی است که دیگر «نحن اهل البیت» نمی‌شود. حضرت اشاره می‌کنند قرائت ما اهل مدینه قرائت ابی است. اما از نظر تاریخی دلیل اینکه در ذهن قاصر من واضح شده، به این خاطر است که با مطالعاتی که در این چندین سال شده، جوی که در آن زمان در بلاد بوده تا حدی در ذهن من روشن شده. یعنی با رفت‌وبرگشت‌هایی که شده واضح شده که جوی که در آن زمان بوده به این صورت بوده. با تعبیر «اما نحن» برای یک سنی نمی‌خواهند بگویند که ما تابع «ابی» هستیم. اینکه قبل از آن از چه چیزی صحبت شده، در روایت نیامده.

---

[1]مفاتح الکرامة فی شرح قواعد العلامة(ط - دار الاحیاء التراث) ج۲ ص ۳۹۳

[2]الكافي- ط الاسلامية ج۲ ص۶۳۴

[3]فتح الباري لابن حجر (۸/ ۷۴۲)؛...كان عبد الله بن مسعود يحك المعوذتين من مصاحفه...

[4]صحيح البخاري (٥/ ٢٥)؛ثم قال: كيف يقرأ عبد الله: والليل إذا يغشى؟ فقرأت عليه: والليل إذا يغشى. والنهار إذا تجلى والذكر والأنثى قال: «والله لقد أقرأنيها رسول الله صلى الله عليه وسلم من فيه إلى في».

[5]الليل ٣

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 13:02:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 10:25:28 توسط ... .